

لِزوم اقدام برای تبعیض مثبت

حقوق و آزادی‌های اساسی در پرتو اسناد بین‌المللی کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت (۲۰۰۶) نقطه عطفی در تاریخ حقوق بشر است



حقوق و آزادی‌های اساسی در پرتو اسناد بین‌المللی کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت (۲۰۰۶) نقطه عطفی در تاریخ حقوق بشر است.

به گزارش خبرنگار مهر، گذار از ترحم به حق‌مداری حقوق بشر معاصر در مواجهه با حقوق افراد دارای معلولیت (توان یاب) شاهد یکی از بنیادین‌ترین تحولات گفتمانی خود بوده است.

این تحول، گذاری تاریخی از «نگاه ترحم محور» و «الگوواره پزشکی» به «رویکرد حق‌مدار» و «الگوواره اجتماعی-حقوقی» است. در گذشته، افراد توان یاب اغلب به عنوان بیماران نیازمند درمان یا اشیایی مستحق ترحم نگریسته می‌شدند، اما در پرتو اسناد نوین بین‌المللی، به ویژه کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت (۲۰۰۶)، این افراد به عنوان شهروندانی دارای حق و کرامت ذاتی شناخته می‌شوند. این تغییر پارادایم، دولت‌ها را از جایگاه خیرین به متعهدانی تبدیل کرده است که ملزم به تضمین حقوق و آزادی‌های انسانی این قشر و برابرسازی فرصت‌ها هستند.

مفهوم شناسی معلولیت و چالش‌های تعریفی یکی از چالش‌های اصلی در تدوین نظام حقوقی جامع برای توان یابان، ارائه تعریفی فراگیر از معلولیت است. توان یابی وضعیتی دوزمراتب و پیچیده است که ابعاد گوناگون جسمی، ذهنی، فکری و حسی را در بر می‌گیرد.

کنوانسیون حقوق افراد توان یاب، تعریفی پویا ارائه می‌دهد که در آن توان یابی حاصل تعامل میان نقص‌های فردی و موانع محیطی و نگرشی است؛ موانعی که مانع مشارکت کامل و مؤثر آنان در جامعه بر مبنای برابر با دیگران می‌شود.

در قوانین داخلی ایران، از جمله قانون جامع حمایت از حقوق معلولان (مصوب ۱۳۸۳) و قانون حمایت از حقوق افراد دارای معلولیت (مصوب ۱۳۹۶)، معلولیت به اختلالات مستمر و قابل توجهی اطلاق می‌شود که موجب کاهش استقلال فرد در زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی گردد. نکته قابل تأمل در این تعاریف، محوریت مفهوم «استقلال فردی» است که کلیدی‌ترین مفهوم در مبانی نظری حقوق توان یابان محسوب می‌شود.

با این حال، تفاوت ماهوی میان معلولیت‌های جسمی و ذهنی، به ویژه در بحث «اهلیت» و «حق انتخاب»، نیازمند مذاقه‌ای جدی است.

در حالی که توان یابان جسمی از نظر قوه ادراک تفاوتی با سایرین ندارند، در مورد معلولیت‌های ذهنی، مسئله توانایی تصمیم‌گیری و مدیریت امور چالش برانگیز می‌شود.

سازمان بهداشت جهانی با تفکیک میان «توانایی ذهنی» (ظرفیت تصمیم‌گیری) و «اهلیت» (پیامدهای حقوقی)، تلاش کرده است تا چارچوبی برای حفظ حقوق این افراد حتی در شرایط کم‌توانی ذهنی ارائه دهد.

تبعیض مثبت

مبنایی حمایتی برای تحقق عدالت ماهوی صرفِ شناسایی حقوق برابر برای توان یابان، برای تحقق عدالت کافی نیست. افراد دارای معلولیت به عنوان بزرگترین اقلیت جامعه بشری، با موانع ساختاری و تاریخی روبرو هستند که برابری صوری را ناکارآمد می‌سازد.

در اینجا مفهوم «تبعیض مثبت» (Positive Discrimination) یا «اقدام مثبت» به عنوان یک ضرورت حقوقی و عقلی رخ می‌نماید. تبعیض مثبت مجموعه‌ای از تدابیر، هنجارها و ساختارهای ایجابی است که هدف آن گذار از برابری صوری به «برابری ماهوی» و جبران محرومیت‌های تاریخی است.

این اقدامات ویژه که در اسناد بین المللی نظیر کنوانسیون رفع تبعیض نژادی و کنوانسیون حقوق توان یابان به رسمیت شناخته شده اند، مصداق تبعیض ناروا نیستند، بلکه ابزاری برای تسریع در برقراری مساوات واقعی اند. ویژگی بارز تبعیض مثبت، «گذرا بودن» آن است؛ بدین معنا که پس از رفع نابرابری و توانمندسازی گروه هدف، باید متوقف شود. سازوکارهای اجرایی این رویکرد شامل «سهمیه بندی» (مانند اختصاص درصد مشخصی از استخدام های دولتی)، «معافیت ها» (مانند معافیت از سربازی یا مالیات)، «ذخیره سازی امتیازات» و «ایجاد رقابت های ویژه» است.

در نظام حقوقی اسلام نیز، حمایت از اقشار آسیب پذیر و ناتوان، ریشه در کرامت ذاتی انسان و عدالت دارد. آموزه های دینی و سیره معصومین (ع)، بر لزوم حمایت های ویژه و تخصیص سهمی از بیت المال برای تأمین زندگی آبرومندانه توان یابان تأکید دارند که این امر با مفهوم مدرن تبعیض مثبت هم راستا است.

حقوق و آزادی های اساسی در پرتو اسناد بین المللی کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت (۲۰۰۶) نقطه عطفی در تاریخ حقوق بشر است. این سند نه تنها حقوق موجود در سایر اسناد (مانند میثاقین) را برای توان یابان تکرار می کند، بلکه با رویکردی تخصصی، به جزئیات اجرایی آن می پردازد. اصول بنیادین این کنوانسیون شامل احترام به منزلت ذاتی، استقلال فردی (شامل آزادی انتخاب)، عدم تبعیض، مشارکت کامل در جامعه، احترام به تفاوت ها و برابری فرصت ها است.

حق های مدنی و سیاسی: حق بر حیات، دسترسی به عدالت، آزادی و امنیت شخصی، و آزادی از شکنجه و رفتار غیرانسانی از جمله حقوق مصرح در کنوانسیون است. یکی از چالش برانگیزترین مباحث، حق تصمیم گیری و اهلیت حقوقی برای توان یابان ذهنی است.

رویکرد مدرن حقوق بشر بر آن است که به جای سلب کامل اهلیت (قیمومیت)، باید از الگوی «تصمیم گیری با حمایت» استفاده کرد تا استقلال فرد تا حد ممکن حفظ شود.

حق های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی: حق بر آموزش فراگیر، سلامت، توانبخشی، کار و اشتغال، و سطح زندگی مناسب از دیگر ارکان این نظام حقوقی است. کنوانسیون دولت ها را ملزم می کند تا با اتخاذ تدابیر مناسب، دسترسی افراد دارای معلولیت به محیط فیزیکی، حمل و نقل، اطلاعات و ارتباطات را تضمین کنند. حق بر سلامت جنسی و باروری نیز از موضوعات حساس است؛ چنانکه ماده ۲۵ کنوانسیون بر ارائه خدمات بهداشتی بدون تبعیض تأکید دارد، هرچند برخی کشورها (مانند لهستان) بر این ماده اعلامیه های تفسیری صادر کرده اند تا با قوانین داخلی سقط جنین خود تعارض نیابد.

واکاوی نظام حقوقی ایران

دستاوردها و چالش ها نظام حقوقی ایران، متأثر از موازین اسلامی و تعهدات بین المللی، گام های مهمی در جهت حمایت از حقوق توان یابان برداشته است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصول مختلف (مانند اصول ۱۹، ۲۰ و ۲۹) بر برابری و تأمین خدمات رفاهی تأکید دارد. تصویب «قانون جامع حمایت از حقوق معلولان» در سال ۱۳۸۳ و سپس نسخه تکمیلی آن «قانون حمایت از حقوق افراد دارای معلولیت» در سال ۱۳۹۶، نشان دهنده پذیرش تدریجی رویکرد تبعیض مثبت است.

این قوانین با پیش بینی اقداماتی نظیر سهمیه ۳ درصدی استخدام، معافیت های سربازی برای فرزندان افراد دارای معلولیت، نیم بها شدن بلیت های حمل و نقل و لزوم مناسب سازی اماکن عمومی، تلاش کرده اند تا بستر مشارکت اجتماعی را فراهم آورند. قانون مصوب ۱۳۹۶ با ایجاد ضمانت های اجرایی قوی تر و همسویی بیشتر با کنوانسیون ۲۰۰۶، نمادی از تأثیرپذیری قانون گذار ایرانی از استانداردهای جهانی و مبانی عقلی تبعیض مثبت است.

با این حال، ادبیات حقوقی کشور در حوزه نظریه پردازی پیرامون تبعیض مثبت برای توان یابان همچنان نیازمند غنای بیشتر است و فاصله میان قانون و اجرا یکی از چالش های اساسی باقی مانده است.

بررسی تطبیقی و تحلیلی اسناد بین المللی و داخلی نشان می دهد که حقوق توان یابان از حاشیه ترحم به متن قانون و عدالت منتقل شده است. محوریت این تحول، پذیرش کرامت انسانی و لزوم اقدامات جبرانی تحت عنوان تبعیض مثبت است. اگرچه قوانین مترقی و اسناد بین المللی چارچوب نظری مستحکمی فراهم کرده اند، اما تحقق کامل این حقوق نیازمند تغییر بنیادین در نگرش های اجتماعی و تخصیص منابع کافی برای اجرای تعهدات است. جامعه ای اخلاقی و توسعه یافته، جامعه ای است که در آن افراد توان یاب نه با تکیه بر کمک های خیریه، بلکه با استناد به حقوق قانونی خود، حضوری برابر و مستقل در تمام عرصه های زندگی داشته باشند.